

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر سها

۱۹ اپریل ۲۰۱۸

نقد قرآن

۳۶

۳- ترس از جهنم مهمترین و شایعترین روش قرآن برای دعوت به ایمان

روش غالب و اصلی قرآن برای فراخواندن مردم به ایمان، ترس است، ترس از جهنم و ترس از کشتار دنیوی. در اینجا ترس از جهنم را بررسی می کنیم. قرآن مخصوصاً سوره های مکی، مثل جزء سی ام، مملو از ترس و تهدید از جهنم برای وادار کردن مردم به ایمان است. حدود ۲۵٪ از آیات قرآن در مورد قیامت است. در مورد هیچ موضوعی به اندازه قیامت آیت وجود ندارد. بندرت می توان صفحه ای از قرآن را مشاهده کرد که در آن تهدیدی به عذاب اخروی وجود نداشته باشد. قرآن بصراحت ترس را پیش نیاز ایمان می داند. مثلاً:

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶) - زمر

ترجمه: برای آنها از بالای سرشان چترهائی از آتش است و از زیر پایشان [نیز] طبق هائی [آتشین است] این [کیفری] است که خدا بندگان را به آن می ترساند ای بندگان من از من بترسید (۱۶)

در این آیت بصراحت ذکر شده که خدا با ذکر عذابهای اخروی مردم را می ترساند، تا مردم از او بترسند یا به عبارت دیگر گفته های محمد را از روی ترس بپذیرند. همچنین در آیت زیر:

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (۴۵) ق

ترجمه: ما به آنچه می گویند داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می ترسد پند ده (۴۵)

این آیت نیز بصراحت، زمینه پذیرش قرآن را تهدید به عذاب می داند نه استدلال و تعقل.

از طرف دیگر عذابهای اخروی آنچنان بزرگ و وحشتناک و جاودانه توصیف شده اند که ترس را بر جان و عقل آدمی مستولی می کند و راه فکر و استدلال و نقد را می بندد. ترساندن و شکنجه و تنبیه همان روش بدوی عقب افتاده بشر است که مهمترین راه تربیت کودکان و یا اداره جامعه را تهدید می دانست و این تهدیدکردن حیرت انگیز، خصلت بدوی محمد است که به خدا نسبت داده شده است.

برای این که کسی به دینی معتقد شود ابتداء باید مطالب آن دین را فارغ از هرگونه حالت عاطفی، اعم از محبت و نفرت و ترس و طمع، مورد بررسی علمی و عقلی قرار دهد و اگر آنها را کاملاً درست و همراه با معجزه یافت آن دین را

قبول کند. اما دخالت هر يك از عواطف و مخصوصاً ترس، امکان بررسی بیطرفانه را از بین می برد. چون با وجود ترس فرد به صحت مطلب نمی اندیشد بلکه به زجر و شکنجه هائی می اندیشد که در صورت قبول نکردن شامل حالش می شود. بنابراین از روی ناچاری آن را قبول می کند تا مبادا مورد آزار و شکنجه واقع شود. به عکس روش قرآن، در روانشناسی مطرح شده است که در هنگام آموزش، تربیت و تفکر، عامل ترس را باید حذف کرد و گرنه ذهن به انحراف می رود.

اگر مطالبی یا دینی درست است و سخنان معقول و ارزشمند دارد نیازی به ترس و تهدید ندارد. معمولاً ترس توسط قدرتهائی استفاده می شود که حرف حساب و منطقی ندارند و می خواهند که مردم را در اختیار خویش بگیرند.

نفی آزادی عقیده با وجود ترس

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹) كهف

ترجمه: و بگو حق از پروردگارتان است پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود. ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سرپرده هایش آنان را در بر می گیرد و اگر فریادرسی جویند به آبی چون مس گداخته که چهره ها را بریان می کند یاری می شوند و چه بد شرابی و چه بد جایگاهی است (۲۹)

قرآن در ظاهر در مواردی، مثل آیت فوق، می گوید که هر کس می خواهد دین را بپذیرد و هر کس نمی خواهد نپذیرد اما اگر نپذیرفت او را وارد آتشی می کنیم با این خصوصیات وحشتناک. دقیقتر این که مردم آزادند که اسلام را بپذیرند یا نپذیرند اما اگر نپذیرفتند در دنیا حکمشان مرگ است (چون یا کافران یا مرتد) و در آخرت هم عذابی هولناک و جاودانه خواهند داشت. / این آزادی، دیگر يك شوخی بیش نیست و تحقیق و تدبر در قرآن هم بی معنا است. چون آنچه در قرآنست را باید بدون چون و چرا بپذیری تا از عذاب دنیوی و اخروی نجات یابی. این همان روش تمام مستبدان و قلدان تاریخ است که محمد به کار گرفته و به خدا نسبت داده است. مستبدان نیز می گویند شما آزادی که حکومت مرا بپذیرید یا نپذیرید اما اگر نپذیرفتید با مرگ یا زندان و شکنجه روبه رو می شوید. محمد هم همین روش را با عواقب بسیار وحشتناکتر به کار گرفته است. مفهوم صریحتر این رفتار اینست که شما آزادی که قرآن را بپذیرید یا نپذیرید اما باید بپذیرید.

تهدید کسانی که می خواهند شبیه قرآن بیاورند

قرآن از طرفی مبارز طلبی (تحدی) می کند که اگر راست می گویند که قرآن از جانب خدا نیست سوره ای مثل قرآن بیاورید و از طرف دیگر راه هموارد (مبارز روبه رو) را با ترس می بندد. آیت زیر در مورد کسانی نازل شده که گفته اند ما نیز می توانیم مطالبی شبیه قرآن بیاوریم.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (۹۳) انعام

ترجمه: کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ می بندد یا می گوید به من وحی شده در حالی که چیزی به او وحی نشده باشد و آن کس که می گوید به زودی نظیر آنچه را خدا نازل کرده است نازل می کنم و کاش

ستمکاران را در گردابه‌های مرگ می‌دید که فرشتگان دستهایشان را (برای شکنجه) گشوده اند جانهایشان را بیرون دهید امروز به آنچه بناحق بر خدا دروغ می‌بستید و در برابر آیات او تکبر می‌کردید به عذاب خوارکننده کیفر می‌یابید (۹۳)

این دقیقاً مثل اینست که گفته شود " شما می‌توانید با شاه مسابقه دهید اما حتماً باید ببازید."

تهدید کسانی که قرآن را نقد می‌کنند

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که کسانی را که در مورد قرآن

بحث و نقد می‌کنند تهدید به عذاب دنیوی و اخروی می‌کند. از جمله:

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْأَجْبِيمِ (۵۱) حج

ترجمه: و کسانی که در آیات ما می‌کوشند به قصد عاجز کردن (ایراد گرفتن) آنان اهل دوزخ اند (۵۱)

مفهوم صریح این آیت اینست که شما می‌توانید در قرآن فکر کنید ولی نتیجه‌گیری شما همیشه باید در تأیید قرآن باشد. این که دیگر فکر نیست! این روش قرآن همانی است که ولایت فقیه در ایران و ملامحمد عمر در افغانستان دارند. ولایت فقیه ایران بارها و بارها گفته است که شما باید اهل تفکر و اندیشه سیاسی و تدبیر و نقد باشید. اما به شرطی (شرط عملی) که فقط و فقط به قبول و تأیید و تمجید نظر ولی فقیه منجر شود. چون اگر نشود زندان و شکنجه و مرگ در انتظار شماست. می‌بینید که این خفقان هول‌انگیز ریشه در قرآن دارد.

این ترس از بحث و نقد، دلیل واضحی بر غیر الهی بودن قرآن است. چون کسی که سخن درست و حقی دارد دیگران را دعوت به نقد و ارز یابی می‌کند و بدینوسیله حقانیت سخنش آشکارتر می‌شود. این روش همان روشی است که دنیای علم و تمدن را به اوج امروزم رسانده است.

امروزه کلیه مقالات تحقیقاتی قبل از چاپ در مجلات معتبر علمی، برای نقد نزد حداقل سه نفر از محققان همان رشته فرستاده می‌شود تا آن را نقد کنند و این روش بسیار مفیدی است که به طور پیوسته به رشد مستمر علم کمک می‌کند. طبیعی است کسی که در کار تحقیقاتی اش تقلب کرده باشد یا به خطا رفته باشد از این نقادی هراسان می‌شود و نهایتاً زیان می‌بیند ولی حقیقت و دانش از این نقادی سود مستمر می‌برد.

ترس شدید محمد از بحث در قرآن و تهدید وحشتناک نقادان قرآن نشان می‌دهد که محمد به صحت دعوی خود در قرآن مشکوک بوده و می‌خواسته راه هر گونه بحث را در قرآن ببندد. محمد پس از قدرت یافتن در مدینه این تهدید را عملی کرد بدین نحو که هر کس قرآن را نقد کند حکمش مرگ است و این حکم مورد اتفاق فرق مختلف اسلامی است. از نظر فقه اسلامی کسی که به قرآن ایراد بگیرد اگر مسلمان بوده، مرتد می‌شود و حکمش مرگ است و اگر نامسلمان باشد نیز حکمش مرگ است.

ممکن است مطرح شود که در قرآن به طور مکرر به تفکر در قرآن توصیه شده است. آیا این نشانه قبول نقد نیست؟ خیر! چون تفکر مورد نظر محمد، تفکر واقعی نیست. در يك تفکر واقعی فرد به طور بی طرفانه سعی در یافتن نقاط ضعف و قوت و دلایل يك موضوع می‌کند. ولی محمد انتظار دارد که تفکر در قرآن، فقط موجب تأیید بی چون و چرای آن شود و هرگونه تلاش برای عیب‌یابی را حواله به شمشیر و جهنم می‌کند.

اینکه تفکر نیست این دعوت به بردگی فکری و تسلیم محض و مسدود کردن راه اندیشه است. چنانچه در فصل اول تحت عنوان "علم از دیدگاه قرآن" توضیح دادم منظور از علم در اسلام، علم دین است و منظور از تعقل و تفکر در اسلام، تنها آن چیزی است که به قبول بی قید و شرط اسلام بینجامد.

بنابراین با توجه به کلیه آیات مربوطه، تفکر در قرآن یعنی قبول بی قید و شرط و بی تردید قرآن و هرگونه نقد و جدل در قرآن بی عقلی است.

با توجه به آنچه گفته شد، محمد راه هرگونه تفکر بی طرفانه واقعی را در قرآن بسته است و هرگونه نقد قرآن را به شمشیر و آتش حواله داده است و این دلیل واضحی بر غیر الهی بودن قرآن است. چون اگر قرآن از خدا بود، صد در صد درست بود و خدا ترسی از نقد آن نداشت. چون تفکر و نقد و بحث بیشتر، منجر به آشکار شدن بیشتر حقیقت آن می شد.

ادامه دارد